

علوم تربیتی و توسعه

www.ketab.ir

مؤلف: حبیب الله نجفی هزارجریبی

عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور

سرشناسه	نجفی، حبیب الله، ۱۳۴۲
عنوان و نام پدیدآورنده	علوم تربیتی و توسعه / نویسنده: حبیب الله نجفی هزارجریبی
مشخصات نشر	عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور بهشهر: اشرف البلاد،
مشخصات ظاهری	۱۴۰ ص
تومان	۶۴-۶۶۵۵-۶۰۰-۹۷۸-۹۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	کتابنامه: ص. ۱۳۰-۱۴۰
موضوع	آموزش عالی -- ایران
موضوع	دانشگاه ها و مدارس عالی - برنامه ریزی
موضوع	دانشگاه ها و مدارس عالی - ایران - برنامه ریزی
موضوع	برنامه ریزی درسی - ایران
موضوع	آموزش عالی - ایران - هدف ها و نقش ها

رده بندی کنگره	۱۴۹۳ ۷۳۰۳ / ۱۲۵۳ I.A
رده بندی دیویی	۳۷۸/۵۵
شماره کتابشناسی ملی	۳۵۹۸۷۷۱

انتشارات اشرف البلاد	شابک ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۵۵-۶۴-۲
Publication Ashraf Albalad	ISBN 978-600-6655-64-2

نام کتاب: علوم تربیتی و توسعه

نویسنده: دکتر حبیب الله نجفی هزارجریبی	صفحه آرای: مصطفی نجفی
(عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور)	
قطع: وزیری	تیراژ: ۱۰۰۰
نوبت چاپ: اول	ناشر: انتشارات اشرف البلاد
طرح روی جلد: مهدی نجفی	صفحه: ۱۴۰

«حق چاپ محفوظ و مخصوص انتشارات اشرف البلاد می باشد»

قیمت ۹۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

صفحه

۷

عنوان

سخن مولف

فصل اول (تعلیم و تربیت و توسعه)

۱۶	مقدمه
۱۸	تاریخ آموزش عالی در ایران
۱۹	دوره اول: سالهای ۱۳۱۳-۱۳۲۸ خورشیدی
۱۹	دوره دوم: سالهای ۱۳۴۶-۱۳۱۳
۲۱	دوره سوم: سالهای ۱۳۵۹-۱۳۴۶
۲۱	دوره چهارم: از ۱۳۵۹/۳/۲۳ تاکنون
۲۲	نقش و جایگاه آموزش عالی در توسعه
۲۴	فلسفه آموزش عالی
۲۶	رسالت و اهداف آموزش عالی
۲۹	چالشها و نقش دانشگاهها
۳۱	رسالت و جایگاه دانشگاه در نظام جمهوری اسلامی ایران
۳۳	توسعه ملی
۳۴	نقش دانشگاه در توسعه ملی
۳۵	وظایف دانشگاهها در توسعه ملی
۳۶	سند چشم انداز بیست ساله ۱۴۰۴
۳۶	جایگاه دانشگاهها در سند چشم انداز
۳۸	تاریخچه خدمات دانشگاهی در اروپا
۳۹	تاریخچه خدمات دانشگاهی در ایران
۴۱	توسعه
۴۳	توسعه درون زا
۴۴	دید کلی در خصوص توسعه
۴۵	تحول در افکار و سیاستهای توسعه

۴۶	کشورهای در حال توسعه
۴۸	توسعه در ایران
۵۱	توسعه علمی
۵۶	موانع توسعه علمی در ایران
۶۰	توسعه نیروی انسانی
۶۴	ابعاد توسعه منابع انسانی
۶۵	توسعه فرهنگی
۷۱	موانع توسعه فرهنگی در ایران
۷۲	جایگاه علوم انسانی در ایران
۷۳	تاریخچه علوم انسانی
۷۴	موانع رشد و توسعه علوم انسانی
۷۹	تاریخچه علوم تربیتی
۸۳	تولد علم تربیت
۸۵	گسترش مفهوم تربیت
۸۶	نمای کلی علوم تربیتی
۹۰	کاربرد و فایده علوم تربیتی
۹۱	زیر ساخت های مدرن علوم تربیتی
۹۲	علوم تربیتی در خدمت مدرنیته
۹۳	علم تربیت و مدرنیته
۹۶	رشته های تحصیلی علوم تربیتی
۱۰۱	مفاهیم و تعاریف برنامه درسی
۱۰۵	تاریخچه برنامه درسی
۱۰۶	مبانی برنامه درسی
۱۰۸	جامعه فراگیران، دانش به عنوان مبانی برنامه درسی
۱۰۹	اهداف برنامه درسی
۱۱۰	اهداف برنامه درسی در آموزش عالی

- ۱۱۱ تعریف نظام برنامه ریزی درسی
- ۱۱۲ ضرورت و اهمیت برنامه ریزی
- ۱۱۲ نظریه های برنامه ریزی درسی
- ۱۱۳ تمرکز و عدم تمرکز در برنامه ریزی درسی
- ۱۱۴ مراحل برنامه ریزی درسی
- ۱۱۵ مراکز برنامه ریزی درسی
- ۱۱۶ فعالیت های یک مرکز برنامه ریزی درسی
- ۱۱۶ مسائل برنامه ریزی درسی
- ۱۱۸ ضرورت برنامه ریزی و ارتباط آن با مسائل توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
- ۱۲۰ گروه برنامه ریزان درسی
- ۱۲۱ نقش و جایگاه مشارکت اعضای هیات علمی در برنامه ریزی درسی دانشگاهی
- ۱۲۱ عوامل موثر بر مشارکت اعضای هیات علمی در برنامه ریزی درسی دانشگاهی
- ۱۲۳ تاثیر دانشجویان بر برنامه ریزی درسی دانشگاهی
- ۱۲۶ چارچوب بررسی و بهینه سازی برنامه های درسی در آموزش عالی
- ۱۲۸ بحث و نتیجه گیری
- ۱۳۰ منابع فارسی، لاتین، اینترنت

به آستانه قرن بیست و یکم میلادی درحالی‌ها گذشته ایم که قرن گذشته را شاهد تلاش روزافزون بشریت برای ارتقای سطح علمی خویش درابعاد مختلف بوده ایم، تلاشی گسترده و فراگیر و جهانی برای گسترش آموزش عالی، به عنوان اصلی ترین و موثرترین نهادی که می تواند نقش اساسی را در توسعه پایدار کشورها ایفا نماید. ارقام، حاکی از اقبال جوامع بشری به آموزش در تمام سطوح است و به موازات آن، کیفیت برتر، مدیریت موثر و انطباق آموزش با نیازهای این جوامع مورد توجه خاص قرار گرفته تا آنجا که ناظران برجسته اقتصادی جهان، نه مواد اولیه، نه منابع نیروزا (انرژی)، و نه سرمایه، بلکه "آموزش" و "نیروی انسانی آموزش دیده" را عامل اساسی توسعه دانسته اند.

قالب هدف گذاری یونسکو برای آموزش که آنرا "عامل بودن"، "عمل کردن"، "با هم زیستن" و "یاد دادن" می شناسد، حکایت روشنی از این اهمیت دارد (جاودانی، ۱۳۷۸، ص ۱).

آموزش عالی اکنون در همه جا با چالشهایی در زمینه تساوی فرصتهای برابر، ارتقای کیفی آموزش دهندگان سازگاری با نیازهای جامعه، بهره وری مؤسسات ارائه کننده، و نحوه مشارکت بخشهای عمومی و خصوصی در تولید آن، مواجه است (خورشیدی، ۱۳۸۳، ص ۱۰).

جامعه امروزی به مراتب پیش از گذشته به دانش (وینا) برای آموزش و به ویژه آموزش عالی (و به تعبیری "دانش پایه" متکی است. بنحوی که آموزش عالی و پژوهش اجزای اساسی توسعه سیاسی، فرهنگی، زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی آن شده اند.

این دانش پایه ایجاب می کند که برای رویارویی با بحرانهای عمیقی که جامعه بشری در شرایط کنونی با آنها مواجه (در راس همه آنها بحران ارزشها) است، آموزش عالی و پژوهش بطور ریشه ای متحول و تجدید بنا گردد و در خدمت نوع انسان قرار گیرد. به اعتقاد ون گینکل و هانس (۲۰۰۳) جهان، هم اکنون، وارد عصر جدیدی شده که دارای تحولات عمیق و گسترده است. در واقع این تغییرات، بیش از نیم قرن است که در حال بروز و رخ دادن است. با وجود این از ابتدای قرن بیست و یکم، ماهیت این تغییرات به یک باره تحول بیشتری یافته است

(رحمتی، ۱۳۸۲، ص ۹۵). به علاوه برتون و ژیلز (۲۰۰۳)^۲ براین باورند که تحولات جهان امروز، هرچه باعث توسعه و پیشرفت جهانی شدن شوند، چالشهای جدیدی را در جهان و دانشگاه به بار خواهند آورد. اصلی ترین چالش، مربوط به شکاف دانش است که از آغاز سالهای دهه ۸۰ در میان دانشگاههای کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال گذار همچنان ادامه یافته و می باید (رحمتی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۹).

این جریانها ادراک و احساس مارانست به وضع کنونی دانشگاه و آینده آن دچار ابهام، پیچیدگی و دوگانگی شدیدی کرده و احساس دوگانه بیم و امید را نسبت به تحولات آموزش عالی در سطح جهان بوجود آورده است (فاضلی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۲).

آموزش عالی به عنوان یکی از مهمترین مراحل آموزش رسمی و یادگیری مداوم در سیر حیات خود از سده های هشتم و نهم قبل از میلاد تا عصر حاضر براب تحقق یافتن استعداد های آدمی و رفع نیازهای یادگیری و رشد و توسعه جوامع انسانی بطور کلی، وظایف و رسالتهای متعددی برعهده داشته است. بنابراین به دلایل متعدد از جمله جذابیت آن به عنوان نهاد عهده دار توسعه علم، نوآوری و یادگیری در جامعه، روز به روز بر متقاضیان خود افزوده است. طبعا "گسترش یک نهاد در جامعه پیامدهای مختلفی از جمله توسعه وظایف و مسئولیتها را به دنبال خواهد داشت. به همین دلیل آموزش عالی نیز در طول زمان اهداف و رسالتهای متعددی را تا به امروز عهده دار بوده است. رسالت اصلی دانشگاهها همانا پرورش نیروی انسانی اشاعه علم، ایجاد خلاقیتها و ابتکار و نوآوری است. هرچه جامعه کمتر پیشرفته باشد، انتظارات مردم از دانشگاهها بیشتر است، زیرا در چنین کشورهایی، موسسات و سازمانهای دیگری وجود ندارد که در قیاس با دانشگاه بتواند وظایف و مسئولیتهای دانشگاه را در مفهوم آن به انجام رسانند.

علل اساسی ضعف دانشگاهها در کشورهای جهان سوم در نوشته های بسیاری مورد بررسی قرار گرفته است. بیشتر دانشگاههای این کشورها از نظر ساختار و عملکرد، دانشگاههای قدیمی جوامع صنعتی را الگو قرار داده اند. بسیاری از برنامه های ملی توسعه دانشگاهها، تقلیدی از دانشگاههای کشور توسعه یافته بوده است (منصوری، ۱۳۸۰، ص ۱۶ تا ۱۸). دانشگاهها به دلیل دگرگونیهایی که امروزه دنیای ما و بویژه جامعه صنعتی غرب را تحت تاثیر قرار داده اند، بیش از پیش در کانون توجه واقع شده اند. در واقع، دانشگاهها در عصر کنونی با شرایط، تحولات، بحران و

چالش‌های مختلفی همچون تغییرات جمعیتی، کاهش منابع، بحران ارزش‌ها، توسعه تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات و ظهور عصر اطلاعات و چالش جهانی شدن و تحولات بازار کار روبرو هستند. بر همین اساس تحقق یافتن اهداف و رسالت و ایفای نقش موثر آموزش عالی منوط به ایجاد تغییر و هماهنگی در درون داده‌ها، فرایندها و برون داده‌های نظام آموزش عالی کشور می باشد.

بحث و گفتگو درباره دانشگاه‌های کشور روز بروز اهمیت و حساسیت ویژه ای می یابد زیرا کاروان عظیم انقلاب پس از طی سالهای پرفراز و نشیب و عبور از سخت راههای انقلاب و جنگ و ابتلاات گوناگون و سازندگی، تولید و پی ریزی شالوده های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی منطبق با احکام نورانی اسلام به پیش تاخته است و بدیهی است که در این راه خطیر و طولانی، بار اصلی بردوش دانشگاهیان و دانش پژوهان بوده است.

بنابراین نظام آموزشی یکی از پیچیده ترین زیر نظامهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع بشری است. اهمیت نظام آموزشی و ضرورت افزایش هر چه بیشتر کارائی آن پرداختن به برنامه ریزی آموزشی را ایجاب می کند. انجام این امر مستلزم تشخیص مسائل، شناسائی نارسائیه‌ها و کاستیهای آن از طریق انجام تحقیقات آموزشی است و در انجام این امر مهم، دانشکده های علوم تربیتی دانشگاه‌های کشور وظایف سنگینی را بر عهده دارند. این وظایف نه فقط شامل پرورش نیروی انسانی متخصص در زمینه های علوم تربیتی در راستای نیازهای آموزشی است بلکه انجام پژوهشهای آموزشی مرتبط با مسائل و تنگناهای نظام یاد شده و نیز عرضه خدمات مشورتی به نظام آموزشی را در بر می گیرد. گرچه سابقه دانشکده های علوم تربیتی در ایران اندکی بیش از ربع قرن است و در این مدت نسبتاً "کوتاه کوششهای قابل توجهی از سوی آنها در رابطه با انجام وظایفشان به عمل آمده است. اساس توسعه علمی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی هر جامعه ای وابسته به تحقیقات است. مطالعات و تجارب فراوان چند دهه اخیر و سیر تحولات تاریخی نشان داده اند کشورهایی که در این زمینه سرمایه گذاری کرده اند درنیل به اهداف توسعه ای خود موفق بوده اند و کشورهایی که به هر دلیل از انجام این مهم غفلت ورزیده اند همچنان در آرزوی رسیدن به حداقل توسعه و رشد کمی و کیفی ناکام مانده اند (معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۷۲).

حال اگر بپذیریم که تحقیقات عامل اصلی رشد، توسعه و بهبود کیفی فعالیتهای تولیدی و خدماتی است لازم خواهد بود که همه اقشار مردم اعم از بخش دولتی و خصوصی اساس

فعالیت‌های خود را بر امر تحقیق و بررسی قرار دهند. لذا اولاً "ضرورت آگاهی آنان از این امر و ثانیاً" ایجاد واحدهای پژوهشی در همه بخش‌ها اعم از دولتی، خصوصی و همه نهادها و دستگاهها قطعی به نظر می‌رسد. زیرا توسعه علمی و تکنولوژی در جهان امروز بهره‌گیری از توان و استعداد‌های مردم را در توسعه بخش تحقیقات امری ضروری می‌نماید. دانشگاه‌های کشور به عنوان دستگاههایی که بخش اعظم فعالیت‌های تحقیقاتی کشور را بر عهده دارند در عین توجه به مسائل مختلف این بخش بایستی فعالیت‌های مورد نظر را چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی مورد تجزیه و تحلیل دقیق قرار دهند تا بدین وسیله تصویری روشن از وضعیت موجود خود را در امر تحقیقات داشته و بر این اساس نسبت به برنامه ریزیهای آتی اقدام لازم را به عمل آورند (عموی، پایان نامه ۱۳۷۸).

همکاریهای دولت و دانشگاه و صنعت یکی از عناصر اساسی و حیاتی در هر جامعه پیشرفته در دنیای امروز و بخصوص پس از آغاز تحولات صنعتی در قرن ۱۹ بوده است و هست. دانشگاه به عنوان مغز یک جامعه و دولت به عنوان پیکره و صنعت به عنوان موتور حرکت و اداره جامعه ناگزیر به یک تعامل دائمی با هم هستند و همچنین اساس از ابتدای تاسیس دانشگاه در دانشگاه‌های پیشرفته جهان بوده است ولی متأسفانه دنیای استکباری در کنترلیله‌هایی که برای عقب ماندگی کشورهای عقب افتاده و در حال توسعه انتخاب نمود یکی از آنها هم همین جدائی دانشگاه از دولت و دستگاه‌های اجرایی بخصوص صنعت بود و با متأسفانه شرایط سیاسی در کشورهای عقب افتاده و در حال توسعه این وضعیت را ایجاد کرد که همیشه در عوض اینکه دانشگاه به عنوان مغز دستگاه اجرایی کشور کمک علمی به این اعضا و حرکت آن باشد به عنوان یک نیروی مخالف سیاسی در مقابل دولت ایستاد و از رسالت علمی خود در جهت ایجاد استقلال علمی کشور و کمک فکری به دولتمردان و به تبع آن صنعت باز ماند (مجموعه مقالات، ۱۳۷۷).

تغییرات شتابان علم و دانش، انسانها را بی‌قرار و بر حیات آنان تاثیر بسیاری برجای گذاشته است. جلوه‌های ظاهری این تغییرات در فناوری اطلاعات و دانش جوامع نوین به خوبی آشکار است. نوسازی جوامع و به دنبال آن سازمانها و شهروندان، چرخه آموزش و توسعه را به مرحله جدیدی رسانده است. تغییر نگرش به شهروندان دنیای دیجیتال به عنوان سرمایه‌های

فکری و ثروتهای ذهنی، بار سنگینی بردوش سازمانها و نهادهای آموزشی و در راس آنها آموزش عالی قرار داده است.

آموزش عالی با پیشینه ای به قدمت بیش از هشت سده به عنوان نهاد کلیدی مورد توجه خاص ملتها و دولتهاست. دستیابی به فناوری نوین و دانش پیشرفته که نقش موثری در تحقق و شتاب حرکت اجتماعی و اقتصادی ملل ایفا می کند، صرفاً "با تقویت آموزش عالی و برنامه ریزی کمی و کیفی آن میسر است" (دائرة المعارف آموزش عالی، ۱۳۷۶). آموزش عالی به عنوان یک زیرنظام در جامعه بشری دستخوش تحولات و دگرگونیهای شده است. تغییرات عظیم در جمعیت و ویژگیهای آن، رشد سریع و انفجارگونه دانش، پیشرفت خارق العاده تکنولوژی، جنگهای جهانی و منطقه ای، اتحادها و ائتلافها، انباشته شدن ثروتها در دست معدودی و گسترده شدن فقر و مذلّت برای بسیاری به نظر می آید به دنبال این تجربه های گوناگون، آموزش عالی نیز از جایگاه سستی اش عدول نموده و اغلب به عنوان یک وسیله به منظور رسیدن به اهداف دیگر مطرح می باشد. اغلب تحلیلها و بررسیها در گذشته به چندان دور "دانشگاه" را مورد مطالعه قرار داده اند. با در نظر داشتن قرنهای تاریخ دانشگاه، عجیب نیست که پنداره "آموزش عالی" چنان بوسیله پنداره "دانشگاه" تحت الشعاع قرار بگیرد که این دو عبارت تقریباً مترادف یکا بریده شوند. امروزه در اکثریت قریب به اتفاق کشورها، نظام چند لایه ای آموزش عالی مشاهده می شود که شامل انواع موسسات آموزش عالی است. اما در کشورهای در حال توسعه، این نظام چند لایه، علاوه بر چند دانشگاه دولتی با کیفیت بالا، و چند دانشگاه منطقه ای با کیفیت قابل قبول یا پائین تر، شامل یک بخش بزرگ خصوصی نیز می شود. در بسیاری از کشورهای پیشرفته، آموزش حرفه ای کوتاه مدت و تربیت معلم، بخش قابل توجهی از آموزش عالی را تشکیل می دهد. اما تلقی کشورهای در حال توسعه از آموزش عالی این است که آن ابزاری است برای نخبه پروری و تجدد و بنابراین مردم به سختی می توانند شیوه های آموزش حرفه ای را بپذیرند که معمولاً در تغییر یا ارتقا طبقه اجتماعی سهمی ندارد. این چنین است که اغلب اینگونه کشورها، با بحران در آموزش عالی مواجهند و معمولاً در تحلیلهای ارائه شده از اوضاع بحرانی، اعلام می دارد که جذب الگوهای غربی دانشگاهی کاری غیر عاقلانه بوده و باید به دنبال راههای دیگر بود. مردم نیز بخش دولتی را بخاطر ناکارآمدی مورد سرزنش قرار می دهند و همه خواهان یک الگوی ملی کارآمد هستند، اما یک الگوی ملی را در شرایط امروز جهان، چگونه می توان طراحی نمود؟

یکی از مهمترین عناصر آموزش عالی و دانشگاهها برنامه های درسی هستند که نقش تعیین کننده و غیرقابل انکار را در راستای تحقق اهداف و رسالتهای آموزش عالی از نظر کمی و کیفی ایفا می کنند. از اینرو، برنامه های درسی یکی از مباحث مهم و چالش برانگیز دانش بشری است و بسترهای فراوانی برای توسعه و گسترش مطالعات برنامه درسی وجود دارد، از جمله بسترهای آن، برنامه درسی آموزش عالی می باشد (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۳). برنامه های درسی ابزار علمی و اجتماعی نیرومندی است که ضمن ترسیم چگونگی و حدود انتقال دانش و مهارتها بیانگر فلسفه و هدفهای تربیتی و یا به عبارتی سیاستهای علمی آن موسسه میباشد. یکی از موضوعات مهم در برنامه ریزی درسی اهمیت نوسازی و تجدید نظر در برنامه ریزی درسی و هماهنگ نمودن محتوا و روشهای تدریس با شرایط در حال تغییر و نامطمئن میباشد.

آموزش عالی از فرهنگ جامعه ای که آنرا دربر گرفته است، تاثیر می پذیرد و نیز بر آن تاثیر میگذارد، از بطن جامعه متولد می شود و به شکل گرفتن جامعه هم کمک می کند و سرانجام نیازمند منابع است و منابعی را هم در سیمای افراد توانا تر برای کار، شهروندان بهتر و نیز دانشهای نو یافته و ارزشمند در اختیار قرار می دهد. از یک سو، آموزش عالی در عین اینکه نخبهان با نفوذ سنت فرهنگی معتقد است، متشکک است به استعداد منطقی از آن نیز بشمار می آید (خورشیدی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۶).

سه برداشت مختلف در مورد رابطه میان آموزش عالی و جامعه وجود دارد. در برداشت نخست، دانشگاه موسسه ای خودگردان بر فراوری و گسترش دانش است (دید جامعه شناسانه). در برداشت دوم، دانشگاه موسسه ای برای ارائه بخشی از خدمات دولتی تلقی می شود که باید از سوی دولت پشتیبانی گردد (دید سیاسی) و سرانجام در برداشت سوم، دانشگاه موسسه ای تجاری در صنعت دانش است که هر نوع خدمات علمی که بیشترین سودآوری را داشته باشد عرضه می کند و هر کس بخواهد می تواند آنرا بخرد (دیدگاه اقتصادی، مثل هر بنگاه اقتصادی دیگر).

این سه برداشت به سه برداشت مختلف از نقش مناسب دانشجویان منتهی می شود: دانشجوی به عنوان شاگرد، دانشجوی به عنوان کارآموز، و دانشجوی به عنوان مشتری.

از دید جامعه شناسانه، دانشگاه، جامعه سازمندی است که بی شک در صدد انجام دقیق و توسعه علمی است و بر آن است که دولت و افراد را متقاعد سازد که باید منابع مادی لازم را در اختیارش قرار دهند.

اهداف عمده آموزش عالی در راستای سیاستهای توسعه بر چهار محور استوار است :

- الف) کمک به تحقق هدفهای اجتماعی از طریق فراهم آوردن برابری فرصتهای آموزش عالی،
- ب) برآوردن تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی متناسب با ویژگی ها، انگیزه ها، انتظارات و تحصیلات افراد، پرورش توانائی های بالقوه شهروندان و تسهیل فرایند یادگیری مادام العمر،
- ج) پرورش نیروی انسانی متخصص مورد نیاز توسعه کشور و کمک به حل مسائل جامعه،
- د) پیشبرد مرزهای دانش و تولید دانش نو (نامه آموزش عالی، ۱۳۸۷، به نقل از بازرگان، ۱۳۶۹).

توسعه مهمترین مفهوم در نیمه دوم قرن بیستم، هم در عرصه تئوری پردازی و هم در عرصه تلاشهای اجرایی بشمار می رود. انسان عامل اصلی علم و شناخت و پس از خالق، اصلی ترین موضوع شناخت و معرفت است. انسان اگر برای علم و پژوهش موضوعیت و اولویت پیدا کند، مقدمات تأسیس است. او اگر شکل می گیرد و نقطه ی آغاز و عزمیت این رشته طرح مجهولات اساسی درباره آدمی است مطالعه و تحقیق در تاریخ و فرهنگ و ابعاد مختلف تکامل و توسعه ی کشور از مهمترین مسئولیتهای دانشگاهی در زمینه ی پژوهشهای علمی است ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه دارای منابع و سرمایه های عظیم طبیعی و انسانی خدادادی است که متأسفانه به دلایل شرایط و موانع خاصی که در دهه های اخیر با آن مواجه بوده نتوانسته جایگاه واقعی خود را در معادلات توسعه جهانی داشته باشد.

رشد و توسعه پایدار جوامع حاصل اتصال حلقه های توسعه ی علمی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. با این اتصال زنجیروار دانشگاه به عنوان متولی توسعه ی علمی و اصلی ترین عامل آن می تواند نتایج بسیار مثبتی به بار آورد که کشور را روز بروز به سمت پیشرفت و پویایی به حرکت وادارد و توانایی های بالقوه را به بالفعل تبدیل کند و با تحول علم و باز شدن افقهای جدید علمی، کشور به سوی خودکفایی و توسعه ی همه جانبه گامهای موثری بردارد. بنابراین، بر پایه ضرورت های ملی باید با شناخت و تحلیل مشکلات موجود استراتژیهای موثر در جهت توسعه فعالیتهای علمی و پژوهشی تهیه و تدوین شود و با توجه به این مسئله در این تحقیق که به مطالعه نقش علوم تربیتی در توسعه ملی از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه پیام نور (گروه علوم تربیتی) می پردازد با ارائه نظرات و راهکارهایی به نقش علوم تربیتی در توسعه ملی پردازد.

در عصر حاضر آموزش به عنوان حقوق اولیه انسانها شناخته شده است و برای توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نیازمند آموزش و توسعه علمی هستیم. از سوی دیگر محدودیتهای نظام آموزش عالی کشورمان و افزایش تقاضای آموزش عالی و اقبال عمومی به آن باعث شده است که سالانه حدود ۱/۵ میلیون نفر داوطلب آموزش عالی باشند. در صورتی که نظام آموزش عالی کشورمان توانایی جذب بیش از یک چهارم آنرا ندارد و اگر راههای جدیدی برای افزایش دسترسی به آموزش عالی فراوی متقاضیان ورود به آموزش عالی قرار نگیرد، بقیه باید از حقوق اولیه خود یعنی آموزش چشم پوشند. در چنین شرایطی با توجه به افزایش تقاضای آموزش عالی و پذیرش این مساله که آموزش علاوه بر این که به عنوان حقوق اولیه اجتماعی هر فرد مطرح است، پیش نیاز توسعه پایدار نیز می باشد، باید به دنبال راهکارهایی برای گسترش و تنوع بخشیدن به نظام آموزش عالی کشورمان باشیم. یکی از این راهکارها توسعه "نظام آموزش از راه دور" میباشد. برای اولین بار در ایران در سال ۱۳۵۰ دانشکده ای در دانشگاه ابوریحان بیرونی برای ارائه آموزش از راه دور به طریق "مکاتبه ای" شکل گرفت. ابزار اصلی آموزش در این دانشگاه کتاب و مواد چاپی بوده است. این دانشگاه در سال ۱۳۵۹ بکار خود خاتمه داد. دانشگاه آزاد ایران در سال ۱۳۵۲ تاسیس شد و فعالیت آموزشی خود را در سال ۱۳۵۶ آغاز کرد و در سال ۱۳۵۹ به فعالیت خود خاتمه داد. از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۶ آموزش از راه دور در ایران وجود نداشت. اما در خلال این سالها اولیای امور آموزش عالی کشور اندیشه تاسیس موسسه دیگری را در سر می پروراندند. تا اینکه پس از انجام مطالعات و بررسیهای اولیه، آموزش از راه دور با تاسیس دانشگاه پیام نور تجدید حیات یافت.

اهداف مهم دانشگاه:

- همگانی کردن آموزش عالی و ارتقای سطح علمی و فرهنگی جامعه
- تسهیل دسترسی برابر فرصتهای آموزش عالی همه وقت
- کاستن از محدودیتهای و فراهم آوردن امکان ادامه تحصیلات دانشگاهی برای علاقه مندان بسویژه در مناطق محروم.
- فراهم آوردن زمینه استفاده از امکانات بالقوه، که در نظام آموزشی متعارف کمتر بکار گرفته میشود.

- تربیت بخشی از نیروهای متخصص مورد نیاز جامعه

- اهتمام به گسترش مرزهای دانش، به منظور دستیابی به نظریه های جدید علمی و تولید علم
- مشارکت در حل معضلات اجتماعی
- فراهم آوردن امکان دسترسی ایرانیان مقیم خارج از کشور و فارسی زبانان و علاقه مندان به جمهوری اسلامی به آموزش عالی در اقصی نقاط عالم .